

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری

۳۱ اکتوبر ۲۰۲۰

نو عثمانیسم: اقتصاد سیاسی ترکیه معاصر



کمال اوکویان، دبیرکل حزب کمونیست ترکیه در مقاله خود که در مورنینگ استار منتشر شد، در باره پیش زمینه اعزام سربازان ترکیه به لیبیا و ادعاهای جدید ترکیه بر منابع معدنی در مدیترانه شرقی اظهار نظر کرد. رجب طیب اردو خان رئیس‌جمهور ترکیه پس از شکست در سوریه مشغول تهیه نسخه دوم پروژه نو عثمانی خود است، پروژه‌ای که وی برای نخستین بار در نیمه دوم اوایل دهه ۲۰۰۰ وارد دستور کار برنامه سیاسی کرد. در این تردیدی نیست که سیاست نو عثمانی توسعه‌طلبی ارضی و اقتصادی محصول سیاست‌ها و ایدئولوژی اردو خان و حزب او است. جمهوری ترکیه، که ۱۰۰ سال پیش در پی یک انقلاب بورژوائی تحت رهبری مصطفی کمال تأسیس شد، هرگز از سوی نیروهای اسلام‌گرای مرتبط با اردو خان واقعاً پذیرفته نشد. با این وصف، سیاست توسعه‌طلبانه ترکیه در یک منطقه وسیع را نمی‌توان فقط با این واکنش‌های اسلام‌گرایانه توضیح داد. نو عثمانیسم اردو خان اگر با نیازهای طبقه سرمایه‌دار در ترکیه همخوان نبود، محکوم بود که به مثابه یک گرایش حاشیه‌ئی باقی بماند.

ما اگر می‌خواهیم سیاست خارجی ترکیه را- کشوری که تا همین اواخر یک متحد وفادار ایالات متحده به شمار می‌آمد و فقط در موضوعاتی که با مراکز امپریالیستی منطبق بود وارد می‌شد- درک کنیم، نخست باید به تحولات در درون نظام امپریالیستی نگاه کنیم.

ایالات متحده مدت طولانی است که در حفظ نقش هژمونیک خود در درون سلسله‌مراتب امپریالیستی مشکلاتی دارد. یک پی‌آمد مهم این، تضعیف نظام اتحادیه‌ای است که ایالات متحده مرکز آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این دشواری‌هایی که ایالات متحده امروز با آن‌ها روبه‌رو است فقط نفوذ اقتصادی فزاینده جمهوری خلق چین یا نفوذ سیاسی- نظامی رشدیابنده روسیه نیست.

کشورهایی که تا همین اواخر متحدین نزدیک ایالات متحده به شمار می‌آمدند به کار گرفتن طیف بزرگتری از اقدامات را آغاز کرده‌اند. رویکردهای سیاسی و نظامی گوناگون در درون ناتو نمایان شده‌اند. همه این تحولات با منطق امپریالیسم سازگار است.

توسعه نامتوازن و رقابت ژرف‌شونده که نهایتاً به درگیری می‌انجامد در جهانی که تحت سلطه انحصارات قرار دارد، تعجب‌برانگیز نیست

در حالی که نظام امپریالیستی از پائین تا بالا تکان می‌خورد، همه بازیگران در مبارزه برای تضمین سهم بزرگتر به نسبت قدرت خود درگیر می‌شوند. انتظار این‌که سرمایه‌داری ترکیه، که علی‌رغم ویژگی‌های شکننده آن اکنون به سطح قابل توجهی از توسعه رسیده است، از این نزاع احتراز نماید، پوچ خواهد بود.

گذشته از این، بورژوازی ترکیه پی برده است که نه ایالات متحده و نه اتحادیه اروپایی قادر نیست یک گزینه رشد باثبات به آن‌ها ارائه نماید. «ثبات» آخرین واژه‌ای است که می‌تواند آن‌چه را که این روزها در واشنگتن، لندن، پاریس، و برلین می‌گذرد توصیف نماید.

در این بستر این ادعا که ترکیه در حال دور شدن از ناتو و قرار گرفتن در محور روسیه- چین است، معنی نمی‌دهد. طبقه حاکم ترکیه به روی داد و ستد بازتر شده است و هر گاه شرایط مناسب باشد موضع نسبتاً آزاد و تهاجمی اتخاذ می‌کند.

با این وصف، در حال حاضر، دور از ذهن است که این روند به جدائی ترکیه از اتحاد ناتو بینجامد. بالعکس، بورژوازی ترکیه خواهان «ازدواج مجدد» تحت شرایط مختلف هم با ایالات متحده و هم با آلمان است، و هم می‌خواهد آزادی عمل وسیعی را که امروز دارد، حفظ کند. این رویکرد با واقعیت کنونی امپریالیسم همخوان است.

به این دلیل لازم است ما بپرسیم پروژه نو عثمانی تا کجا می‌تواند جاه‌طلبی‌های سرمایه‌داری ترکیه را برآورده نماید. اقتصاد ترکیه تحت حزب عدالت و توسعه اردوخان در نتیجه غارت غیرقانونی بنگاه‌های دولتی، شهرها، طبیعت، رودخانه‌ها، معادن، آزاد کردن فضا برای انحصارات بین‌المللی از طریق دادن انواع مشوق‌ها به انحصارات بین‌المللی، همراه با نابودی قدرت چانه‌زنی طبقه کارگر و نرخ غیرمنطقی وام گرفتن، رشد کرده است.

خودروسازی و ساخت‌وساز به بخش‌های اقتصادی اصلی مبدل شده‌اند. بسیاری از صنایع دیگر سقوط کرده‌اند. از نظر کشاورزی، ترکیه دیگر یک کشور خودکفا نیست. انحصارات غذایی سودهای عظیمی می‌برند در حالی که تولیدکنندگان کوچک به طرز غم‌انگیزی ورشکست شده‌اند. اقتصاد، که با بیکاری، بدهی خارجی و داخلی، و نرخ بالای تورم متزلزل شده است، به ویژه در بخش مالی ساختار شکننده‌ای دارد.

به این دلایل، تنها با در نظر گرفتن معیار اقتصادی، شخص می‌تواند ببیند که نو عثمانیسم ترکیه محدودیت‌های جدی دارد

زمانی که ما تقریباً همه بازیگران مهمی را که چشم به منطقه دوخته اند، این را که ترکیه معتبرترین کشور در میان کشورهای عربی نیست، این را که در داخل ترکیه مخالفت با نوعثمانیسم وجود دارد و این را که بخشی از طبقه سرمایه‌دار می‌خواهد حزب اردو خان، حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی کم خطرتری را در پیش گیرد اضافه نمائیم، می‌توان دید که ادامه بازی تهاجمی اردو خان چقدر برای او دشوار است.

اما نباید این را از نظر دور داشت که سرمایه‌داری ترکیه از برخی مزیت‌ها برخوردار است. در مقایسه با کشورهای اروپایی، ترکیه جمعیت جوان‌تری دارد.

در میان آن‌ها، دارندگان تحصیلات متوسطه و دانشگاهی غیرمتشکل‌ترین اقشار را تشکیل می‌دهند. این ذخیره نیروی کار تحصیل‌کرده، با از دست رفتن حقوق سندیکائی و جمعی، یک قدرت رقابتی بزرگ برای سرمایه‌داران می‌آفریند.

بنیادگرایی مذهبی، که از آن برای کنترل توده‌ها در سیاست‌های داخلی استفاده می‌شود، به مثابه یک ابزار سیاست خارجی نیز تأثیرگذار است.

بتازگی ترکیه به مبارزه بین ایران و عربستان سعودی برای هژمونی در جهان اسلام پیوسته است. طرح را، که به وسیله اردو خان همراه با پاکستان و مالزی تهیه شد، نباید دست‌کم گرفت.

این سه کشور از طریق کانال‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر جمعیت مسلمان در اندونزی و هند نفوذ می‌کنند.

اگر حضور ترکیه در بالکان، قفقاز و سومالی و میلیون‌هائی را که از طریق سازمان‌های مساجد در اروپا و به ویژه در آلمان می‌تواند هدایت نماید به این اضافه کنیم، می‌توانیم مقیاس شبکه نفوذ در جهان اسلام را درک نمائیم.

به علاوه، روابط پیچیده و پنهان ترکیه با کشورهای نفت‌خیز، به ویژه قطر، فرصت‌های اقتصادی چشم‌گیری به دست می‌دهد.

ترکیه همچنین یکی از بزرگترین ارتش‌ها را در منطقه دارد، مبالغ عظیمی را به صنعت نظامی پر رونق خود اختصاص می‌دهد و به یکی از معدود کشورهای مبدل شده که توانائی سازماندهی عملیات نظامی و اطلاعاتی در خارج را دارد. اردو خان صرفاً جاهلانه حرف نمی‌زند.

سیاست خارجی اردو خان انعطاف‌پذیر، پراگماتیک و فرصت‌طلبانه است، اغلب روزانه تغییر می‌کند و به هیچ‌وجه متکی بر اصول نیست.

تصمیم ترکیه برای اعزام نیرو به لیبیا باید با توجه به همه این عوامل تحلیل شود. اردو خان جنگی را که حکومت او را به طور جدی بلرزاند نمی‌خواهد. او منابع نظامی و سیاسی لازم را ندارد.

او از این آگاه است که در مبارزه برای سهم از منابع انرژی در مدیترانه شرقی، برای بالا بردن قدرت چانه‌زنی خود باید حرکت‌های جدیدی بنماید.

به این دلیل، او تصمیم گرفته است برخی از جنگجویان اسلام‌گرائی را که از سوریه استخدام کرده است، برخی افسران اطلاعاتی و تعداد محدودی از نیروهای ویژه و مستشاران نظامی را به لیبیا بفرستد.

محاسبات او در لیبیا با محاسبات در سوریه متفاوت است. در آنجا اردو خان با دست‌آویز نگرانی‌های ایمنی ایجاد شده به وسیله حضور کردها، به دنبال یک حضور دایم است.

حتا این امکان وجود دارد که اردو خان همکاری خود را با روسیه تعلیق کند و به یک همکاری بیش‌تر با ایالات متحده برود.

در ارتباط با سوریه، گرچه این درست است که آن رویاهای پنج سال پیش فرو ریخته اند، اما ترکیه هنوز هم فعالیت بسیار گسترده‌ای دارد.

در لیبیا، از سوی دیگر، ترکیه سعی می‌کند خود را به مبارزه برای یک سهم در مدیترانه شرقی وصل کند. اما هنوز موقعیت خوبی ندارد.

اما سرمایه‌داری ترکیه چه یک سیاست خارجی محتاطانه‌تر، چه یک سیاست خارجی تهاجمی‌تر را اتخاذ کند، این یک تهدید برای همه خلق‌های منطقه و در درجه اول برای زحمتکشان ترکیه است.

مانند هر کشور دیگر سرمایه‌داری، «استثمار خوب» وجود ندارد. به این دلیل، جنبش انقلابی در ترکیه مسئولیت انتقال ترکیه را، از کشوری که اکنون نفوذ منطقه‌ای بسیار بزرگی را اعمال می‌کند، به کشوری که در آن برابری و آزادی حاکم است، بر دوش دارد.

منبع: چپ، پرتال خبری حزب کمونیست ترکیه

تارنگاشت عدالت